

هیدگر جوان و بحران علوم نظری

عطا حشمتی*

میثم سفیدخوش**

چکیده

هیدگر پس از جنگ جهانی اول متوجه بحرانی در علم شد که آن را ناشی از غلبه رویکرد نظری برخاسته از علوم تجربی و تسری یافتن این رویکرد به سایر بخش‌های علوم می‌دانست. چستی این بحران و راه چیرگی بر آن پرسشی است که به‌زعم این نوشته، یکی از دغدغه‌های اصلی هیدگر، پیش از تألیف هستی و زمان بوده است. پرسش اصلی ما در این مقاله شناسایی رویکرد هیدگر به این بحران در دوره‌ای است که کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد، یعنی هیدگر جوان پیش از تألیف کتاب هستی و زمان. در همین راستا بیان می‌شود که چگونه یک نظریه از طریق زندگی‌زدایی و صورتی‌سازی موقعیت‌های زنده حاصل می‌شود. این موضوع با تمرکز عمده بر درس‌گفتارهای سال ۱۹۱۹ فرایبورگ تحقیق شده است. در نگاه هیدگر جوان علم، کنشی زنده، و مواجهه‌ای اگزستانسیال با جهان است. ما در آغازه‌های پژوهش‌های علمی‌مان پدیده‌ها را در زیست - بافت روزمره‌مان معنادار می‌کنیم؛ اما به تدریج با محور این موقعیت‌های تاریخی و زیستی پدیده‌ها را به شکلی متزع از بافت معنابخش‌شان درمی‌آوریم و آن‌ها را به‌مثابه چیزهایی نظری در نظر می‌گیریم. به نظر هیدگر رویکرد نظری، که غالب‌ترین رویکرد در علم جدید است، از مواجهه‌ای پیشا - نظری و اصیل نشئت گرفته است. در پایان با ارائه تفسیری شماتیک نشان می‌دهیم مراحل تبدیل شدن امر موقعیت‌مند به ابژه نظری چه مراحل است.

کلیدواژه‌ها: مارتین هیدگر، پدیدارشناسی کنش علمی، بحران علوم نظری، علم به‌مثابه کنش، نظریه.

* دانش‌آموخته فلسفه علم، دانشگاه صنعتی شریف (نویسنده مسئول) atahm26@gmail.com

** استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران M_sefidkhosh@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲